

کوچکی ممکنست مانع آن شد که قبر نویسنده تاریخ و صاف مفقود شود». یکتائی،

قبر شیخ ابواسحق اطعمه در چهل تن واقع است.

نقوشی که ایوان بزرگ بقعه هفت تن را زینت بخشوده است (بصفحه ۵۲ متن کتاب مراجعه شود) مشتمل بر تصاویر حضرت موسی (ع) و حضرت شعیب (ع) و شبانی پیمبران مزبور و داستان حضرت ابراهیم (ع) و حضرت اسمعیل (ع) و شاه صفی و کریمخان در لباس فقر بوده تماماً از آثار دوران زندیه است.

مزار قطب العارفین محمد هاشم الذهبی الشیرازی قطب دراویش ذهبی در جوار حافظ است.

قهوه اولیا و قهوه قلندران

«در شیراز قهوه قلندران و قهوه اولیاء دو محلی است که در آنجا مزار برخی اولیاء بزرگان و عرفا میباشد و مزار چند تن از مشایخ بنام که یکی از آنها دارای تاریخ ۷۳۷ هـ قمری است ولی متأسفانه اکنون قهوه اولیاء در بازار مرغ بصورت مسجد محقری است شبستان آن بصورت دواطاق در آمده و درویشی در آن مسکن دارد و قهوه قلندران در محله ارگ وضع نامطلوبی دارد که شایسته است در شمار اماکن باستانی ثبت و بدانها توجه شود.

یکتائی،

بقعه دارالشفاء

«بطوریکه در تواریخ مسطور است بقعه دارالشفاء مدفن علامه میرسید شریف جرجانی متوفی در سنه ۸۱۶ است این بقعه در محله لب آب واقع است و فعلاً بصورت مزبله دان است که سقاخانه کوچکی بهلوی آن میباشد شهر داری شیراز آنقدر میتواند که سوراخ دیوار آنرا بگیرد و مانع رختن زباله در آنجا بشوند و انجمن

آثار ملی هم لا اقل میتواند پلاکی آنجا نصب نماید که بدست فراموشی سپرده نشود و نام آنرا در صورت امکان باستانی ضبط نمایند تا مالکین مجاور آنجا را تصاحب نمایند.

یلدانی^۱

۱۲ - زیارتگاه سبز پوشان

در آذر ماه ۱۳۵۰ دوست داشتمند آقای علی سامی در مسافرت لوتاهی که بطهران آمده بودند از زیارتگاهی بنام سبز پوشان واقع در جنوب شرقی سرون شهر شیراز گفتگو نمودند که چندی پیش در خدمت استاد معظم جناب آقای علی اصغر حکمت به راهی آقای بعیری رئیس کتابخانه ملی پارس توفیق بازدید آنرا یافته بودند و طبق تقاضای اینجانب پس از بازگشت بشیراز یادداشتی را که در این باره مرقوم داشته بودند برای چاپ در کتاب حاضر فرستادند و اینک با عرض سپاسگزاری شرح زیر آنرا نقل مینماید :

سبز پوشان

«در سینه کوه و جنوب شرقی شیراز قرار گرفته که از راه مستقیم و پیاده در حدود ده کیلومتر تا شیراز فاصله دارد ولی با اتومبیل باید از راه پل فسا و جاده کوار رفت از جاده کوار تا پای کوه در حدود ۱۳ کیلومتر راه است. از پای کوه تا تکیه که در سینه کوه است حدود یک ساعت وقت لازم دارد.

«سبز پوشان بر دهات کوشک بیدک که در یک فرسخی جنوب شرقی قرار گرفته مشرف و کوهی که در آن واقع شده با درختان انجیر و دیگر درختان جنگلی مصفا و باطراوت گردیده است با تراشیدن مقداری از کوه یک غار مصنوعی بوجود آورده و قبر درون همین غار قرار گرفته سنگ قبر ساده و در وسط عبارت بخط نستعلیق بدین شرح دارد « تاریخ شهادت امام زاده سید اسحق بن موسی بن جعفر در سنه ۲۰۵ » .

اطراف قبر را علاقه مندان و خیرین در دوره های پیش بیک صفت سنگی تبدیل کرده که حدود سی متر طول و ۱۵ متر عرض دارد از فراز آن دهات شرقی و جنوبی شیراز مخصوصاً دهات قره باغ بید او منظره بسیار دلبذیری دارد. در ایام متبر که

مردمان دهات اطراف و ٹیلات مجالس جشن و سرور و دیگک جوش در این بقعه برپا میسازند .

«قسمت جالب توجه کتیبه‌ای است بخط نستعلیق در کنار صّفه که در سنگ کوه کنده شده در ۱۱ سطر که چهار سطر اول آن مشتمل بر ۱۸ بیت شعر مدح سلطان اویس میرزا فرمانفرمای فارس میباشد که تاریخ آن ۱۳۰۶ قمری است نویسنده در بهار سال ۱۳۴۰ توفیق دیدار ابن بقعد را در خدمت جناب آقای علی اصغر حامت استاد محترم دانشگاه تهران و دوست ارجمند آقای علی اکبر بصیری رئیس کتابخانه ملی فارس پیدا نمود - چند سطر از کتیبه که بدمک آقای بصیری خوانده شد عیناً نقل میگردد :

که نازد برو گاه و دیهیم و تخت

که جاوید از و گیتی آباد باد

(یاک معراج و دو بیت خوانده شد)

نهان بد در این کوهسار بلند

چو خوردشید آمد بر از تیغ کوه

شده سبند و شش ز بعد هزار

بهمراهش ابن بنده فرهنگ کرد

بفرمان داشتم

فروزان بود زهره و هشتی

(معراج دوم خوانده شد)

در این مملکت حاکم رانی کند

« بعهد شهنشاه فیروز بخت

« ملک ناصرالدین باعدل و داد

« ملکزاده سلطان اویس گزین

« همانا که این بقعه ارجمند

« بر آمد بکوه آفتاب شکوه

(سه بیت خوانده شد)

« هم از هجرت سید نامدار

« چو... بر این دخمه آهنگ کرد

(سه بیت خوانده شد)

« بر این مختصر چامه بنگاشتم

« الا تا بر این چرخ نیلو فری

« ملازاده را باد اختر بلند

« بشادی بسی شاد گامی کند

« در تاریخ ربیع الاول سیحقان ثبل ۱۳۰۶ حضرت اشرف اسعد وال

معتمدالد و اساطان اویس میرزا و جمعی شاهزادگان و امیرزادگان ...

جمال الدین میرزا و سیاوش میرزا و جهان نوش میرزا و حاج بهاء الدین میرزا و نظام الدین میرزا و جناب حاجی میرزا حسن حلیم باشی و این بنده فرهنگ و میرزای یزدانی که ملک بی نسق مانده بود همت والا بر آرامی آنجا تعلق یافته انشاء الله عنقریب بتوجه همت والا نهایت آبادی خواهد یافت .

«دیگر آنکه فرمایش رفت تا چند جفت در آج از گرمسیرات آورده در بیشه زار امید که بیمن دولت و اقبال شاهنشاه اسلام بناه خلد الله ملکه و سلطانه تمامی این صفحات پیشه و مرغزار این عرصه را نتاج در آج فرا گیرد کتیبه بالا بامر عالی فی ۱۳۰۶ قمری نبوی راقمه بنده بدکار محمد جعفر شیرازی .

«در ربیع الاول سنه بزیرت این بقعه سرات شریف فرما شده و با اشخاص مفصله فوق و سرکار مقرب الخاقان میرزا مصطفی خان خلف مرحمت پناه میرزا محمد قوام الدوله که ریشه نیلوفر که حسب الحکم از کرمانشاهان آورده بودند در چشمه بول برنجی و چشمه سارداراب جرد و سراب بیضا و سر آب سیاه ممسنی غرس نمودند تحریر افی سنه ۱۳۰۷ عمل اقل الحاج محمد حسن شیرازی .»

«از فحوای این کتیبه چنین مستفاد میشود که شاهزاده نامبرده دستور داده است مقداری در آج از گرمسیرات گرفتند در اینجا متفرق سازند تا نتاج این پرنده در این صفحات پرورش نموده زیاده شود و همچنین مقداری نیلوفر از کرمانشاهان آورده و در نقاطی که در متن کتیبه ذکر شده غرس نموده اند تا این گیاه خوش منظر که گل آن در طب قدیم بعنوان مبرّدات تجویز میگردد (عرق نیلوفر) در خطه فارس جاهائی که بیشه و مستعد پرورش و نمو است زیاد فراوان شود .

(مرحوم فرهنگ و میرزای یزدانی از اولادان مرحوم وصال شیرازی بوده اند) .

۲۳ - بقاع متبرك كازرون

ضمن توصیف اجمالی شهر فازرون در صفحه ۱۱۱ متن کتاب اشاره به آرامگاههای چند نفر از بزرگان که در آن شهر قرار دارد نمود - در بازدید کوناهی که روزهای ۱۵ و ۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۹ از کازرون نصیب گردید نام بقاع متبرك موجود در آنجا بشرح زیر یادداشت شد :

۱ - بقعه سید محمد کاشی واقع در محله گنبد که بمناسبت گنبد بقعه نامبرده نام محله را هم گنبد گذارده اند .

۲ - بقعه سید محمد مشهور بدزید واقع در وسط محله گنبد .

۳ - بقعه سید محمد راه دور و (که برادر سید محمد کاشی است) واقع در محله آهنگران .

۴ - بقعه ابفتح واقع در محله بازار .

۵ - بقعه شاه حمزه واقع در محله بازار .

۶ - بقعه موسوم به امامزاده که بشکل برج ساخته شده و در محله امامزاده واقعست .

۷ - بقعه سید محمد امین الدین در کناره شمالی شهر نزدیک کوه (بدتوسیحات مربوط به چند نفر از بزرگان مدفون در کازرون که از طرف آقای علی بنقی بهروزی مرقوم رفته و در چند سطر بعد ذکر میشود مراجعه گردد) .

تا آنجا که استنباط شد بقاع نامبرده سرمانند سایر آرامگاههای بزرگان که در شهر فازرون واقعست دارای جنبه هنری و تاریخی زیاد نیست - نگارنده بقعه سیده محمد کاشی را از دیدن بسیار مودم و در آن اثر قدیمی و هنری مشاهده نکردم اما در بقعه کوچکی که در ساحل بقعه مرقوم بود سنگ مرقد زیبایی از نوع سنگ آتشی وجود داشت که شاست بود و نوعی عیار است - آنرا با کج (۱) تعمیر کرده بودند و هر چهار جانب آن کتیبه های متعددی شیبانی در حقیقت مرقوم کرده است که این جملات خوانده و تشخیص داده شد .

(۱) کج فازرون از لحاظ سفیدی رنگ و استخوان و رود آتشی ممتاز و مشهور است و ساختمانهای سنگی و کچی آن شهر عیناً مانند دوران ساسانی سنگ را ملاط کج کسریع و بندوا میندند بر روی یکدیگر ، پاده بنارا بالا میرند

برجبه جنوبی در دو سطر : کل من علیها فان ویبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام (رام)
 برجبه غربی در دو سطر : بسم الله الرحمن الرحیم شهد الله انه لا اله الا هو والملائكة
 واولو العلم قائماً بالقسط لا اله هو العزيز الحكيم ان الدين
 برجبه شمالی در سه سطر : سطر اول الملك لله - دو سطر دیگر بعلت تعبیر ناصوابی
 که با کج شده است درست تشخیص نگردید تصور می رود آیه شریفه قل اللهم مالك الملك
 الخ باشد .

برجبه شرقی (پائین یا) در دو سطر : بسم الله الرحمن الرحیم هذا قبر السعيد
 الشهيد المرحوم زين الدين شهریار في شهر سنة احدى واربعين وستمائه .
 بدین قرار سنگ مزار مزبور مربوط به زین الدین شهریار و مربوط بسال ۶۵۱ هجری است
 که در صفحه ۱۱۱ متن کتاب بدان اشاره شد .

ضمناً برای نمودن منظر کلی شهر کازرون و چگونگی ساختمانهای موجود
 در آن دو قطعه عکس که از فراز بام یکی از خانه های محله گنبد از دوسوی مختلف
 گرفته شده است طی شکل های ۲۲۷ و ۲۲۸ ارائه میگردد .

دانشمند محترم آقای علینقی به روزی در نامه ای که بعنوان اداره آثار باستانی (اداره
 باستان شناسی) فارس مرقوم داشته اند و از طرف اداره مزبور رونوشت آن ضمن گزارش شماره
 ۷۵۳ : ۳۱ ر ۳۸ جهت انجمن آثار ملی فرستاده شده است چنین توضیح میدهند که مقصود
 از کلمات قبر شاسحاق قبر شاسحاق (یعنی شاه ابواسحاق) است (به سطر ۲ صفحه ۱۱۱ متن
 کتاب مراجعه شود) - ضمناً بضمیمه نامه فوق اطلاعات مفید و جامعی درباره چند نفر از عرفا و
 بزرگان ذکر و ارسال نموده اند که عیناً بشرح زیر نقل میگردد :

« شیخ ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی متوفی بسال ۴۲۶ ه . ق
 الشیخ المحقق و العارف المشهور شیخ ابواسحاق ابراهیم بن شهریار
 کازرونی معروف به (شیخ مرشد) از کبار مشایخ و از عرفای بسیار مشهور است
 که در کازرون متولد شده است . شرح حال مفصل او در کتاب مشهور (فردوس
 الرشدیة فی اسرار الصمدیة) که تماماً در ذکر وقایع زندگی اوست نگاشته
 شده است . نا زمان او اهالی کازرون زردشتی بوده اند ولی بهمت و ارشاد وی
 اهالی کازرون مسلمان شده اند . صاحب کتاب شیراز نامد چنین او را توصیف میکند :

« سر باز سر اندازان طریقت و سردارانِ جمن حقیقت بر کات اقدام مبارکش باطراف جهان رسیده و مشایخ عراق و حجاز و کرمان را دریافته و شصت و چهار خانقاه را اساس فرموده و بیست و چهار کس از گبر و یهود بدست وی مسلمان گشتند. »

« شهرت شیخ ابواسحاق در تمام نقاط زمین پیچیده و همه از اکناف عالم برای زیارت او و پس از مرگش برای زیارت تربت پاک او بد کازرون سفر میکرده اند چنانکه (ابن بطوطه) سیاح معروف اندلسی نیز بهمین نیت بکازرون رفته و شرح آنرا در سفرنامه خود ذکر کرده است .

« وفات او در سال ۴۲۶ واقع گردیده و در خانقاه خود مدفون شده است . آرامگاه او هنوز در کازرون مشهور و مطاف اهل محل است و برای آن کرامات بسیار قائلند ولی وضع آرامگاه با مقام شامخ او متناسب نیست و باید بشکل آبرومندی تعمیر و مرمت شود .

« شیخ اوحدالدین عبدالله بلیانی متوفی بسال ۶۸۳ هـ . ق

« شیخ اوحدالدین عبدالله بلیانی بن ضیاء الدین مسعود از کبار و عرفای نامی است و از اولاد (شیخ ابوعلی دقاق) عارف بسیار مشهور میباشد . صاحب شیرازنامه او را چنین توصیف میکند :

« حامی حومه کرامت و والی ولایات ولایت . درمکاشفات حضرت صمدیت و تجلیات الوهیت استغراق یافته . در اظهار کرامات و کشف مغیبات ملهم بودی چنانکه عرفای عصر زبان حق گوی او را ترجمان لوح محفوظ گفتندی . بزرگان عرفا و صوفیه از راه دور بخدمتش میرسیدند و از انقباس قدسیه و کرامات او استفاده میکرده اند چنانکه شیخ صفی السدین اردبیلی از راه دور به بلیان رفته و بحضورش رسیده است .

« در سن هفتاد سالگی در سال ۶۸۳ هجری قمری بر حمت ایزدی بیوست و در خانقاه خود که در بلیان است مدفون شد . هم اکنون آرامگاهش در قربه بلیان که نزدیک کازرون است زیارتگاه عمومی است و کراماتی از آن نقل میکنند .

« اما آرامگاه مزبور محتاج بتعمیر اساسی است و چون عوائدی ندارد باید اعتباری برای آن در نظر گرفت .

« شیخ امین الدین بلیانی متوفی بسال ۷۴۵ هـ - ق

« شیخ امین الدین محمد بن شیخ علی بن شیخ ضیاء الدین مسعود . از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیه قرن هشتم هجری است که در خدمت عمش (شیخ اوحید الدین عبدالله بن ضیاء الدین مسعود بلیانی) که از بزرگان عرفا بوده تحصیل علم و معرفت کرده و بمراتب عالیہ رسید و از دست وی خرقه پوشیده است و پس از شیخ اوحید الدین بارشاد خلق پرداخته است . وی مردی عابد و زاهد و متقی بوده است . صاحب شیرازنامه بحضور او رسیده و از کرامات و انفاس قدسی او استفاده و استفاضه کرده است و تلقین ذکر از او گرفته و او را چنین وصف کرده است :

« شیخ شیوخ جهان و مقتدای اهل زمین و زمان بود . هم در طهارت ذات و کمال ولایت و علو درجات زبده اقران آمده و آوازه کمالات ذات وصیت حسن ارشاد و بزرگواری او جهانگیر گشته . »

« خواجهوی کرمانی نیز از مریدان او بوده و ضمن قصیده غزائی اورامدح گفتند است .

« خانقاهش که در دامان کوه شمالی کازرون بوده خیلی وسیع بوده و سالکان طریقت و جویندگان حقیقت از راههای دور برای زیارت شیخ و بعد از او برای زیارت تربت پاکش بدانجا رهسار میشده اند . شیخ در سال ۷۴۵ هجری فمری وفات یافت و در خانقاه خود مدفون شد .

« خانقاه شیخ مدنها معمور و زیارتگاه بزرگان صاحب بدل بوده است و چند مرتبه در اثر زلزله خراب شده ولی دوباره تعمیر شده است . اکنون هم دائر است و زیارتگاه عمومی است و ای احتیاج بتعمیرات اساسی دارد . خانقاه شیخ دارای رقبان و وقفات بسیاری بوده که فعلاً مختصری از آن باقی است و باید عوائد

آنها صرف تعمیر بقعه و آرامگاه او گردد.

«علامه جلال‌الدین معروف به محقق دوانی متوفی سال ۹۰۸ هـ - ق
 «مولانا جلال‌الدین محمد بن سعدالدین دوانی معروف به (علامه دوانی
 و محقق دوانی) از فحول علماء و حکماء و محققین است که شهرت عالمگیر دارد
 و دارای تألیفات بسیار است. وی مدت‌ها منصب قضاوت فارس داشته و در دستگاه
 امیر حسن و یعقوب میرزا از سلاطین آق‌قویونلو معزز و محترم بوده و وزراء و
 اکابر و علماء از اشعه انوار ضمیرش کمالات کسب مینمودند. شرح حال او در
 کتب تواریخ مهم و تذکره‌ها مفصلاً ذکر شده است. علامه دوانی یکی از مفاخر
 ایران است که در اغلب رشته‌های علوم مانند حکمت و فلسفه با علم کلام و علوم
 عقلی و نقلی مهارت و تبحر داشته است و نزد بزرگان زمان خود محترم بوده
 است. وی یکی از فقها و علماء و خطباء معروف شیعه است که رسالات متعددی
 نوشته است. علامه دوانی در سال ۹۰۸ هجری قمری نزدیک کازرون وفات یافت
 و او را به دوان برده و دفن کرده‌اند و اکنون آرامگاهش در قریه دوان نزدیک
 کازرون است بصورت محقری قرار دارد.

«علو مقام وصیت شهرت این عالم جلیل و دانشمند نامی ايجاب میکند که
 آرامگاهش بصورت آبرومندی تعمیر و مرمت شود.»

در باره شرح علامه دوانی و یکی از تألیفات او بنام نور الهدایة فی الامامة و همچنین
 حالات شیخ عبدالله نایانی و بزرگان دیگر مدفون در ملیان و کازرون اطلاعات مفید و جامعی در
 کتاب آثار عجم (چاپ بمبئی - ۱۳۱۴ - صفحات ۳۰۹ به بعد) ذکر شده است.

۶۴ - امامزاده درب آهین و بقعه شاهزاده وارءالدین

همانطور که در صفحه ۱۳۳ متن کتاب اشاره شد که در حدود ۱۳۰۰ هـ
 چگونگی بقعه امامزاده درب آهین اطلاعات جامعتر و دقیقتری تحصیل نموده در قسمت ۵۰ کتب
 اختیار علاقه‌مندان بگذارم خوشبختانه موحسانی و راهم آمد که در 'سپندماه ۱۳۳۹' تویقوه - افر
 مجدد و کوتاهی بشیرار نصب کردند و با مساعدت دوست عزیز و دانشمند آقای ساسی توانستم
 بازدید سریعی از آن قسمت آثار تاریخی خالک مسی که ردناک چاده بس تاریخ و حورستان واقعت
 بعمل آورم و در نتیجه اطلاعاتی بیش از آنچه طی صفحات ۱۳۲ و ۱۳۳ متن کتب درج گردیده است راجع
 به بقعه امامزاده درب آهین تحصیل نموده و اکنون آنچه را مناسب این مقدمه است - مذکور می‌نمایم.

محل بقعه همانطور که فرماندار وقت کازرون (جناب آقای خواجه نوری) مرقوم داشته بودند در دو کیلومتری قصبه نورآباد کنار جاده کازرون بخوزستان واقعست - ضمناً بقعه نامبرده مشتمل بر دوزیارتگاه و دو امامزاده میباشد که متصل یکدیگر است - گنبد سنگ و کچی بلندتر بر فراز حرم امامزاده علاءالدین که او را فرزند امام هفتم (ع) میشناسند قرار دارد (شکل ۱۹۶) بالای سردر آن لوحه سنگی به طول یا ارتفاع ۴۲ سانتیمتر و عرض ۳۳ سانتیمتر نصب است که کتیبه‌ای بخط ثلث بر جسته بر آن نوشته‌اند و آنچه از کتیبه مزبور خوانده شد بشرح زیر نقل میگردد :

در لوی ثیل سنه ۱۰۲۵ رفعت پناهی ————— فخرالدین ملک احمد و
خواجه ————— علیشاه ابن المغفور خواجه حسین شاه فهلیانی عمارت امامزاده
معصوم مظلوم شاهزاده علاءالدین فرمود

بدینقرار بقعه شاهزاده علاءالدین که گنبد بلندتر مربوط بآنست در سال ۱۰۲۵ هجری که مقارن با هنگام سلطنت شاه عباس کبیر میباشد بنا گردیده یا تعمیر شده است ولی درب آهنین که در کتاب آثار عجم از فولاد معرفی گشته است و در صفحات ۱۳۲ و ۱۳۵ متن کتاب بدان اشاره شد و نام آنرا به مجموع بنای هر دو امامزاده داده‌اند به بقعه شاهزاده علاءالدین تعلق ندارد بلکه مربوط به امامزاده متصل به بقعه شاهزاده علاءالدین میباشد که مدفن خواهر شاهزاده علاءالدین و از دختران امام هفتم معرفی شده است و گنبد بلند ندارد بلکه پوشش ضربی يك طبقه داشته درب آهنین مورد ذکر برمدخل آن نصب است و بر لوحه سنگی بالای درب مزبور که قسمتی از آن در شکل ۱۹۷ نمودار میباشد کتیبه جالب توجهی درده سطر بخط ثلث بر جسته مرقوم رفته تا حدی که نگارنده موفق بخواندن آن شدم بشرحی است که نقل میگردد :

«در ایام دولت جناب عدل کیش امیر رعیت پرور مرتضی ممالک اسلام بهرام زمان افتخار و مرزبان جهان آیه عنایت یزدان اثر رحمة رحمان علاءالدوله والدین امیر فرخ بهادر خلد الله ایام دولته ادام علی المسلمین ظلال نصفته این عماره که مشهد فروزان مشهور است و مرقد معطره و مضجع منوره مهده عصمت ام المؤمنین بنت الامام المعصوم موسی الرضا رضی الله عنهما است فی تاریخ شهور سنه احدى و سبعین و سبعمائمه از فواضل صدقات عمیمه آن عالی جناب معدله شعار تجدید یافت.

چون کام جاودان متصور نمیشود خرم کسیکه زنده کند نام جاودان»

از کتیبه بالا برمیآید که بقعه متصل به شاهزاده علاءالدین در سال ۷۷۱ تجدید ساختمان گردیده و بدینقرار بنای کنونی آن بیش از دو است و پنجاه سال قدیمتر از بقعه شاهزاده علاءالدین است - درب آهنین مورد ذکر نیز بنظر میرسد مربوط بحدود همان سال یعنی نیمه دوم قرن هشتم هجری باشد و اگر آنرا بشرح مذکور در کتاب آثار عجم (صفحات ۱۳۲ و ۱۳۵ متن کتاب) متعلق به سپیدز بدانیم باز هم تصور نمیرود قدمت آن از قرن هشتم هجری بیشتر باشد.

محوطه داخلی بقعه درب آهنین مشتمل بر حرم هشت ضلعی نسبتاً وسیعی است که هر ضلع آن از یک طاقتما یا شاه نشین نسبتاً عمیقی تشکیل میگردد و بدین لحاظ از نظر فن معماری و نکات ساختمانی بنای مستحکم و استواری بشمار میرود و مدفن منسوب بدختر حضرت امام هفتم (ع) در شاه نشین جانب قبله آن قرار دارد که بر دهانه آن توده چوبی بسبک معروف به جعفری نصب و برده هائی بر جلو آن آویزان است (ش ۲۲۹).

ضمناً کتیبه مزبور بعلمت اینکه بزبان فارسی و مورخ سال ۷۷۱ هجری است از کتیبه های نادر متن فارسی در ابنیه تاریخی قرن هشتم بشمار میرود و ذکر کلمه بهادر پس از نام امیر فرخ هم نکته قابل توجه و شایسته بررسی و امعان نظر میباشد و میرساند عنوان بهادر که در کتیبه های مربوط به سلسله های مختلف سلاطین ایران در قرن نهم هجری و پس از آن هم در دوران صفوی پس از نام پادشاه ذکر میگردد در قرن هشتم هجری نیز معمول و متداول بوده است.

۲۵ - توضیحاتی چند پیرامون خاک ممسنی

نوبندگان - تنگ بوآن - سر آب سیاه

طی صفحات ۱۳۰ تا ۱۴۰ متن کتاب درباره آثار تاریخی متعدد واقع در ناحیه ممسنی بحث نمود و در چند مورد هم اشاره شد که در آن ناحیه بقایای آثار باستانی مختلفی وجود دارد که نیازمند انجام بررسیها و تحقیقات بیشتر میباشد - بر اثر مسافرت کوتاه مجددی که در اسفند ماه ۱۳۳۹ بخاک ممسنی نصیب نگارنده شد یادداشتهایی تهیه نمودم که قسمتهایی از آنها در صفحات پیش بعرض خوانندگان ارجمند رسید ضمناً جناب آقای جواد بوشهری (امیر همایون) فرزند شادروان حاجی محمد بوشهری (ملقب و معروف به حاجی معین التجار شخصیت بزرگ و معروف اقتصادی زمان خود) که بعلمت علاقه ملکی موروثی و خانوادگی آشنائی کامل به تمام مناطق خاک ممسنی دارند و پس از اطلاع از تهیه و چاپ کتاب حاضر آنرا مورد توجه و تشویق فراوان قرار دادند نیز اطلاعاتی بیش از آنچه داشتم در اختیارم نهادند که ضمن تقدیم سپاسگزاری بمحضر محترم ایشان و با مراجعه به کتاب آثار عجم (چاپ بمبئی - ۱۳۱۴ - صفحات ۲۹۹ تا ۳۰۵) و یادداشتهای مورخ اسفند ۱۳۳۹ خود آنچه مناسب میدانند در این مورد نقل مینماید :

پس از گذشتن از ویرانه‌های شاپور کازرون که بجانب شمال و شمال غربی بروند به تنگه موسوم به چنار شاه‌یجان میرسند که ابتدای خاک ممسنی از آنجا آغاز میگردد و انتهای تنگه مزبور بنام **مُله نعل** خوانده میشود - از تنگه چنار شاه‌یجان وارد جلگه نور آباد میشوند طبق آنچه در صفحات سابق الذکر کتاب آثار عجم نوشته شده است مسافت بلوک شاپور تا قصبه مالکی (قلعه مالکی) که مرکز جلگه نور آباد است در حدود سی و سه کیلومتر (پنج فرسنگ و نیم) میباشد و در جانب مغرب نور آباد یعنی بین قصبه مالکی و ویرانه‌های مادر دختر و کردر (مذکور در صفحه ۱۳۱ متن کتاب) ویرانه‌های **نوبندگان** قرار دارد که در کتاب آثار عجم بنام **نوبنجان** ذکر گردیده است و چنین مینویسد : « نوبنجان شهری بوده از **کوره شاپور کنون خرابست** » .

در جانب شمال شرقی جلگه نور آباد **تنگ بوآن** واقع شده در کتاب آثار عجم چنین معرفی گردیده است :

«شعب بوان از نواحی نوبنجان مذکور است و آن دره ایست بسیار وسیع و گشاده در میان دو کوه طول آن قریب سه فرسخ عرضش متجاوز از یک فرسخ هواش سردسیر مایل باعتدال صحرائش دلگشا فضایش باصفا رودی در آن روان است که آبش در نهایت خوشگوار و شیرینی چشمه های زلال و گوارانیز در اطراف و جوانبش جاری است .

«سرتاسر این دره درختستان است از هر گونه میوه دارد و از انبوهی درخت آفتاب بر زمین نیفتد این فقیر تمام آنجا را گردش نموده بینهایت محظوظ شدم (۱) .

«شکار بیشمار از هر صنف و طیور غیر محصور از هر نوع در آن مرغزار در چرا و پرواز هستند و بر سر کوههای آن اکثر از برف خالی نیست و معروف است که آنجا یکی از بهشتهای دنیا است و آنها را جنات اربعه گویند .»

جناب آقای بوشهری توصیف فوق را درباره تنگ بوان مبالغه آمیز دانسته اظهار نمودند که پهنای آنهم چندان زیاد نبوده بمراتب کمتر از یک فرسخ است - ضمناً طبق گفته معظم له بسیاری از مردم بومی تنگ بوان برخلاف ساکنین دیگر آن نواحی دارای موهای نور بوده سفیدرو هستند .

ناحیه ای که مشتمل بر جلگه نورآباد است **بکش** نام دارد و نواحی چهارگانه **بکش** و **فهلیان** و **جاوید** و **رستم** که نام قسمتهای مختلف خاک ممسنی و مجاور یکدیگر است باضافه ناحیه دشمن زیاری مجموعاً **شولستان** خوانده میشود .

از جلگه نورآباد بوسیله تنگهای که در جانب شمال آنست بطرف پل فهلیان میروند پس از خروج از تنگ مزبور و پیش از آنکه به پل نامبرده برسند اکر بجانب راست بروند به ناحیه جاوید میرسند که غار کمان و سبذ یا قلعه سفید (۲) سابق الذکر (مذکور در صفحات ۱۳۴ و ۱۳۵ متن کتاب) در ابتدای آن واقعست و بعد از ناحیه جاوید به ناحیه دشمن زیاری

(۱) شادروان فرصت الدوله در اینمورد چهار بیت شعر عربی مناسب مقام نوشته و ترجمه آنراهم در حاشیه کتاب ذکر نموده است که نقل آن بیرون از موضوع و هدف این کتاب نظر میآید .

(۲) «بعضی میگویند که این همان قلعه ایست که فردوسی در شاهنامه نام آنرا برده است :
دژی بود کس خواندندی سبید بدان دژ بد ایرانیان را امید ...»
(نقل از کتاب آثار عجم چاپ بمبئی ۱۳۱۴ قمری - صفحه ۳۱۳) .

میرسند و پس از دشمن زیباری هم ناحیه اردکان قرار دارد. نواحی جاوید و دشمن زیباری برخلاف نواحی بکش* و فهلیان و رستم دارای جلگه نبوده تماماً کوهستانی است و حاشیه‌های یاریک ساحل رودخانه را نیز دربردارد.

راه فرعی که به جلگه فهلیان می‌رود نیز پس از خروج از تنگ سابق الذکر پیش از رسیدن به پل فهلیان از جانب چپ منشعب می‌گردد و به شرحی که طی صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶ متن کتاب توضیح داده شد از آن راه به آبادی سرآوان و ویرانه‌های عهد هخامنشی مجاور آن می‌رسند. خوشبختانه در بازدید که بلطف دوست گرامی آقای علی سامی برای نخستین بار در روز ۱۶ اسفندماه ۱۳۳۹ از ویرانه‌های عهد هخامنشی در کنار آبادی سرآوان نصیب نگارنده شد اطلاعات بیشتری از اثر تاریخی مهم مزبور بدست آمد که ذکر آنرا در این مورد مناسب میدانم. ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی نزدیک سرآوان مشتمل بر تپه کوتاه پست و بلند خاکی است و قسمتهایی از چهار عدد ته‌ستون سنگی بزرگ و زیبا و خوش طرح همان عهد در دل خاکهای تپه مزبور پدیدار می‌باشد و اندازه هر یک از آنها بدینقرار است:

قطر دایره ۱٫۲۰ متر بلندی ۷۰ سانتیمتر.

مردم محل نام سرآوان را سرُون (بر وزن برون) تلفظ میکنند و کدخدای آنجا بنام میرقلندر کاظمی و یکی از اهالی بنام جمعه سمت راهنمایی آقای سامی و نگارنده را برای بازدید ته‌ستونهای متعدد و زیبای عهد هخامنشی عهده‌دار گردید و دو عکس از یکی از چهار ته‌ستون سابق الذکر در تصاویر شماره ۲۳۰ و ۲۳۱ از نظر خوانندگان گرامی گذرانیده میشود. مسافت از کازرون تا پل فهلیان و از آنجا به سرآوان بشرحی است که توضیح می‌گردد:

از کازرون تا برکتک (محل انشعاب راه بوشهر و خوزستان) ۶ کیلومتر

از برکتک تا ویرانه‌های شاپور ۱۶ کیلومتر

از ویرانه‌های شاپور تا سرآب بهرام ۳۲ کیلومتر

از سرآب بهرام تا محل انشعاب راه فهلیان پیش از پل فهلیان ۹ کیلومتر

از محل انشعاب راه بمسافت سه کیلومتر که بروند به آبادی معروف فهلیان می‌رسند و دنباله راه با پیچ و خم و داهمواری از کنار آماذیهای مختلف رجن رجن و سریش و قلعه نو

گذشته به آبادی سروان منتهی میگردد و مجموعاً در حدود ۹ کیلومتر بعد از گذشتن از فهلیان به سروان میرسند.

ته ستونی کوچکتر از نه ستونهای چهارگانه که ذکر آنها گذشت بمسافت فریب صد متری آنها در محل معروف به امامزاده اسمعیل واقع گردیده است که قطر دایره آن ۹۲ سانتیمتر و بلندی آن ۵۲ سانتیمتر بوده در صفحه ۱۳۶ متن کتاب بدان اشاره شد و تصویر آنهم در شکل ۱۹۸ نمایان میباشد.

نگارنده احتمال نزدیک به یقین میدهم که با خاکبرداری علمی در ویرانههای بنای عهد هخامنشی در سروان نوشتههای میخی مربوط و متعلق به ته ستونها یا نوشتههای دیگری از این بنای بدیع دوران هخامنشی کشف گردد و یکی از آثار جالب توجه دوران شاهنشاهان هخامنشی از پرده خاک بدرآمده در معرض دیدار و بررسی علمی و جلوه گری علاقمندان به هنر و معماری عهد درخشان مزبور قرار گیرد.

اینک برای ادامه بررسی آثار تاریخی ممسنی بایستی از سروان به فهلیان بازگشت و دنباله راه را تا شاهراهی که بطرف پل فهلیان میرود پیمود و به پل اخیرالذکر رسید.

جاده کازرون بخوزستان پس از گذشتن از پل فهلیان بجناب دست چپ ادامه مییابد و از داخل خاک رستم میگذرد و پس از طی ده کیلومتر به آبادی بزرگ مصیری میرسد و پس از عبور از مصیری بروودخانه سر آب سیاه میرسند و طبق اظهار جناب آقای بوشهری از کف رودخانه مزبور گاهی اوقات ظروف مسی بدست میآید. قریب ده کیلومتر هم که از مصیری (بجناب خوزستان) دورتر بروند نزدیک آبادی بنام بابامیدان میرسند و در آنجا بجاده فرعی سمت چپ منحرف گشته به طرف دهکده سه تلو میروند.

نقوش برجسته عیلامی (که در صفحات ۱۳۶ - ۱۳۸ متن کتاب و تصویر شماره ۱۹۹ توضیح داده شده است) در مجاورت دهکده سه تلو قرار دارد و برای رسیدن بآنها باید از دامنه شمالی کوهستان مجاور دهکده مزبور بالا رفت. دیدار این اثر تاریخی شکفت هم بشرحی که گذشت نخستین بار روز ۱۶ اسفندماه ۱۳۳۹ نصیب نگارنده گردید و با ملاحظه آن بیش از پیش دریافتم که محل بس هوانک و هراس انگیزی را

بر بالای صخره کوه جهت احداث نقوش مذهبی مورد ذکر بر گزیده‌اند و هنگامیکه شخص از جانب شمالی کوه بالا می‌رود می‌تواند از شکاف سنگ خود را به محلی نزدیک و روبروی نقوش برساند و اگر بخواهد نقوش را لمس کند و دقیقاً آنها را بررسی و بازدید نماید از محلی مانند پلکان که از سنگ لب پرتگاه تراشیده‌اند و خوشبختانه بعثت جدا شدن سنگ راهی از شکاف کوه بوجود آمده است خود را به سکوی جلو نقوش که پهنای آن شاید کمی بیش از یک متر باشد میرساند و در تصویر شماره ۲۳۲ و موقعیت نقوش درون مستطیلی که با خط سفید نموده شده است پدیدار می‌باشد و آقای سامی جلو قسمت اصلی نقش ایستاده‌اند و در چنین موقعی نگاه کردن به پائین کوه بسیار ترسناک و وحشت‌آور است و رودخانه از پائین همان قسمت جریان دارد و منظره صحرا و جلگه فهلیان و آبادیهای مختلف از جمله آبادی سرآوان که ویرانه‌های عهد هخامنشی در کنار آنست در مسافت دوردست بطور محو جلب نظر مینماید و اگر دشواری عبور از رودخانه مانع نمیشد مسافت بین ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی سرآوان با نقوش عیلامی کورانگون بخط مستقیم شاید بیش از حدود شش کیلومتر نبوده باشد و بطور خلاصه با ملاحظه موقعیت نقوش حس احترام و تحسین کامل به ایجاد کنندگان این اثر تاریخی و کاشفین آنها یعنی شادروانان فرصت الدوله و پرفسور هر تسفلد احساس می‌گردد.

نقوش برجسته نامبرده را در محل بناهای گوسنجان و نقاره‌خانه می‌خوانند و نام اخیر بیش از کورانگون یا گرانگون (به تشدید راء) شهرت دارد و نام عامیانه محل نقوش در کوهستان بعثت عدم امکان عبور از پرتگاههای جوانب آن سنگ کمتر است یعنی سگ هم از آنجا نمیتواند بگذرد.

خاک رستم مشتمل بر دو قسمت است که بوسیله تنگه کوهستانی بنام سنگر از یکدیگر جدا میشود - قسمت واقع بین فهلیان و تنگه موسوم به سنگر که آبادی حصیری و رودخانه سرآب سیاه و آبادی بابامیدان و دهکده سه تلو و نقش برجسته کورانگون هم در آن قرار دارد بنام اینطرف سنگر خوانده میشود و قسمت دیگر که بعد از تنگ سنگر واقع شده و راه خوزستان پس از عبور از تنگ مزبور از درون آن میگذرد موسوم به آنطرف سنگر است.

بعد از خاک رستم به نواحی کوهستانی باشت و باوی میرسند که قسمتی از خاک بویر احمدی محسوب میگردد و سابقاً جزء خاک ممسنی بود لکن اکنون مربوط به بویر احمدی و از بخشهای تابعه بهبهان بوده از لحاظ تقسیمات کشوری مربوط به خوزستان است.

در پایان بحث راجع به خاک ممسنی مناسب میداند قسمتهائی از مقاله شیوائی را که بقلم دانشمند کرامی آقای مهندس منوچهر سالور در روزنامه پارس مورخ سیزدهم دیماه ۱۳۴۰ در باره راه شیراز باهواز درج گردیده و طی آن تاحدی اشاره به اهمیت خاک ممسنی شده است در اینجا نقل نماید - دانشمند کرامی مزبور در مقاله خود زیر عنوان **فقط ۳۷ کیلومتری** چنین مینویسند :

«صفحات گذشته پارس گواهی میدهد که تا چه پایه و با چه تأکید و تکراری راجع با اهمیت راه شیراز - اهواز سخن رفته قبل از شروع بکار موجبات لزوم آن توضیح داده شده و پس از آغاز کار تا کنون جریان آن قدم بقدم تعقیب گردیده و در هر فرصت گزارش چگونگی و پیشرفت حاصله با اطلاع خوانندگان محترم رسیده است . روز اول آذرماه جاری برای انجام بعضی وظایف محوله با تفاق چندتن از همکاران بقصد اهواز از همین راه روانه شدیم شهر کازرون را گذاشتیم و گذشتیم و بجانب اهواز عزیمت کردیم . در اوائل راه با آقای مهندس قبائیان مسئول راه کازرون - اهواز که برای سرکشی براهها میرفتند برخورد کردیم . ایشان از بهمن ماه ۱۳۳۷ قدم در این راه نهاده و بساختن این شاهراه حیاتی پرداخته اند و با آنکه بعلمت شدت گرمای منطقه ای و ناراحتی های طاقت فرسای فصلی با لاجبار هر ساله در حدود سه ماه کار تعطیل است یکصد و سه کیلومتر از راه مزبور ساخته و آماده شده و جاده تا پل بریم پیش رفته و تنهاسی و هفت کیلومتر دیگر باقی مانده که راه بجاده اسفالتی شرکت ملی نفت اتصال یابد و اینکار مفید و مثمر بانجام رسد . بطوریکه اظهار شد این باقیمانده نیز انشاءالله تا اردیبهشت ماه ۱۳۴۱ خاتمه می یابد و جاده شیراز - اهواز رسماً گشایش مییابد . ظاهر آنکه اکنون تنها مبلغ ۳۳ میلیون ریال برای انجام این طرح صرف هزینه شد . در صورتیکه غالباً قبل از شروع بکار مبلغی معادل ده برابر آن برای ساختمان این راه برآورد و تقاضا میشد . ولی صحت عمل و پشتکار مهندس مسئول این راه که مدت سه سال دراز خانه و خانواده خدمت بوطن را وجهه همت ساخته و از طرف وزارت راه این راه را پرداخته و با چنین مبلغی راهی بدین اهمیت را تا آستانه اتمام پیش برده است باعث شغف و سرور خاطر است

«این خدمتی است ارجمند و گرانمایه که بی هیچ تظاهر و ریا از طرف جمعی

وطن خواه و وظیفه شناس انجام میگردد و راه خوشبختی مردمان قسمتی از استان باستانی فارس را هموار میکند. درود فراوان بر این وظیفه شناسی و سلام بر مردانی که در این کشور با کوشش و جانفشانی مداوم بهر طریق راه ارتقاء هموطنان خود را صاف میکنند و باهمت بلند و قلب صافی خویش مردانه در این راه مجاهده می نمایند. دم فرو بسته در کنار دشتهای و دامنه کوهها با جوش و خروش فیاض از همه چیز خود میگذرند. تا بمردمی که همسوغ و هموطن ایشانند کمک کنند. شاید هنوز زود باشد که از جمال و جلال طبیعی این جاژه که خرم ترین طرق ایران است کلامی بمیان آید. ولی پس از خاتمه کار در صورتی که در حفظ جنگلهای آن نواحی باندازه کافی اهتمام شود با گل و گیاهی که بفرآوانی در آن منطقه میروید و باستقبال بهار میروید و اقعاً در ودشت غرق زمرد و یاقوت میگردد و هر گاه کارخانه قند ممسنی که فرمان تهیّه و نصب آن صادر شده آماده و مهیا گردد مردم آن حدود پس از قرنهای جهل و بی خبری و دوری از کلیّه مظاهر انسانیت و نمودارهای مدنیّت از زندگی مرتفعی که باتمدّن و آداب بشری توأم است بهره مند خواهند شد، چندی قبل ضمن مقاله ای راجع بمزایای عالی طرق و شوارع بتفصیل سخن رفت و مدلل گردید که راهها و اقعاً راه زندگی را هموار می کنند و مفتاح سعادت را در چنگک ملتها میگذارند. این راه هم طریق خوشبختی مردم آن حدود است و واقعاً تحوّل عمیق در حیات ایشان پدید خواهد آورد. مردمی که از حتمّ و مدرسه و مسجد و برق و بهداشت و فرهنگ و هر چه از این قبیل است بکلی بی خبر مانده و حتی بطوری که ملاحظه میشود از آثار توحید اسلامی و آداب دین مسلمانی نیز بر کنار بوده اند و عقائدی بدوی توأم با توهمات پریشانی که زائیده زندگی هزاران ساله محدود و محصور ایشان است هم آداب و معتقدات و اخلاقشان را تشکیل میدهد، در پر توپیوند با سایر نقاط و نجات از این حصار که بدست روزگار در آن اسیر و محبوس مانده اند رهائی پیدا میکنند و نجات و خلاصی مییابند بویژه که پس از این موهبت کارخانه قند ممسنی که بیاری خداوند متعال تهیّه و نصب خواهد شد مردم را از کوه نشینی و بیابان گردی نجات داده و بزراعت و فلاحت بنحوجدی و خردمندانه معتاد خواهد کرد و یکباره همه زندگانی ایشان را از مادّی و معنوی

بجهتی دیگر که حاوی صلاح دنیا و دین ایشان است سوق میدهد و آنرا تحویلی عمیق و جذّاب می‌بخشد. این مردم ظاهراً مسلمانند ولی از ابتدائی‌ترین آداب و عقاید اسلام همانقدر بی‌خبرند که دیگر مسلمانان عادی از احکام طریقه بودائی یعنی در واقع هیچ‌نمی‌دانند و بابداز ابتداء شروع کنند، این است اندکی از فوائد بسیار که از این شاهراه حاصل میگردد و این است باعث آنکه بدون هیچگونه منفعت شخصی یا احتمال حصول سودی از چندسال باین طرف موضوع طی مذاکرات متوالی و مقالات پی‌درپی تعقیب گردید تا از قوه بفعل آمد و افقی چنین روشن و تابناک برای گروهی از اهالی این آب‌و‌خاک فراهم آورد هر چند این هنوز آغاز کار است و چندسال دیگر که مدتی بر این اتصال و ارتباط بگذرد نتایجی بسیار افتخار آمیز حاصل خواهد شد و بیش از پیش خادمین را غرق در مسرت و افتخار خواهد کرد که بفرموده شیخ اجل :

این هنوز اول خورشید جهان افروز است

باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار

آنچه در مقاله بالا درباره خاک ممسنی نوشته شده است و دانشمندی مثبت و با ایمان مانند آقای مهندس سالور که واجد تقوی و دیانت عمیق و ریشه‌دار با علوم و فنون تازه دیسای کنونی و فعالیت و دانش بمقتضای زندگانی امروزی هستند درباره آن قامفرسانی فرموده‌اند کوششهای از اهمیت و استعداد نواحی مختلف سرزمین وسیع و تاریخی فارس را برای کارهای آبادانی کو اکنون مینماید، نگارنده کتاب نیز هنگامی که نخستین بار توفیق مسافرت از شیراز باهواز را از خاک ممسنی در پائیز ۱۳۳۰ پیدا کردم هنوز راه مزبور ساخته نشده و پل فهلیان پایان نیافته بود و در اسفندماه ۱۳۳۹ که برای دیدار آثار تاریخی ممسنی تا نزدیکی تنگه سنگر طی طریق نمودم جاده مورد ذکر تا مسافتی بعد از تنگه مزبور با تمام رسیده بود و علاوه بر سرعت و آسانی عبور از آنجا آثار آبادانی و رونق فراوان در مصیری و نقاط عرض راه تازه ساز بخوبی مشهود و مؤید نظریات صائب دانشمند عالیقدر آقای مهندس سالور بود و از جماعه درمجاورت اثر تاریخی نقش بهرام (مذکور در صفحه ۱۳۰ متن کتاب) که سابقاً نی‌زار و آب‌نمائی وجود داشت قهوه‌خانه‌ای ساخته بودند که امید میرود وضع آن به تناسب نقش بهرام صورتی شایسته و آبرومند پیدا کند.

یقیناً پایان پذیرفتن این شاهراه مهم برای علاقه‌مندان بیازدید و بررسی آثار تاریخی هم فرصت بهتری پیش می‌آورد که به آسانی بتوانند از باد کارهای

گذشته آن نواحی دیدار نمایند و همین ترتیب نسبت به جلگه‌ها و دره‌ها و نواحی کوهستانی قسمتهای دیگر خاک فارس خواه از شیراز بجانب مشرق و جنوب شرقی تا بندرعباس و خواه نواحی واقع در مشرق شاهراه اصفهان بشیراز و خواه نواحی غربی شاهراه مزبور و نواحی کوهستانی صعب‌العبور واقع بین خاک بختیاری و خاک ممسنی^(۱) و بالاخره سراسر نواحی جنوبی خاک فارس تا برسد به کرانه‌های خلیج فارس صدق مینماید و بنابراین یکبار دیگر یادآوری این نکته بمورد خواهد بود که آنچه در این کتاب بنظر خوانندگان گرام میرسد مطالبی است که با امکانات و وسائل و مقتضیات موجود جهت نگارنده و عدم آشنائی از نزدیک به بسیاری از نواحی استان وسیع فارس و میسر نبودن مسافرت‌های تحقیقاتی مختلف بدان استان فراهم گردیده است و گرنه در هر گوشه استان مزبور چه بسا بقایای باستانی قابل توجه و شایسته بررسی وجود دارد که جوانان پرشور ایران خصوصاً فرزندان با ذوق و مستعد و علاقه‌مند و لایق و دانشمند فارس در انجام بررسیهای علمی و نمودار ساختن و روشن نمودن چگونگی و درجه اهمیت آنها میدان عمل وسیعی داشته و خواهند داشت .

۲۶ - اطلاعات مفید بیشتر درباره آثار پاسارگاد

در صفحه ۱۲ متن کتاب ضمن توضیح نقش انسان بالدار موجود در پاسارگاد اشاره باین امر گردید که طبق آنچه از کتب برمیآید بالای نقش مزبور نام کورش منقور بوده لکن از هفتاد و چند سال پیش اثری از آن نمانده است .

چون اخیراً از طرف شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی برای انتشار قدیمترین تصویر موجود از نقش نامبرده اهتمام بعمل میآید^(۲) لذا از روی تصویر که

(۱) طبق اظهار تیمسار سبهدآق اولی غار بسیار بزرگی بنام پرسکست - Pareskaste (یعنی پرندگان برای رسیدن باین غار پر شکسته و ناکام هستند) در خاک ممسنی بن فهلیان وسی سخت در محل تنگ تامرادی وجود دارد که گنجایش آن برای هزار نفر لااقل کافی بوده مشرف بر تنگ تامرادی است .

(۲) تصویر فعلی نقش در صفحه ۱۶۰ - ش ۱۶ نموده شده است .